



انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب واقعی

تحولات سیاسی و اجتماعی در کشورهای مختلف به طرق گوناگون انجام می‌شوند و تغییرات جدیدی را در صحنه سیاسی کشورها به وجود می‌آورند. این تغییرات بعضاً در چارچوب نظام حاکم بر کشور و قوانین جاری انجام می‌شود و در شرایطی دیگر به گونه‌ای متفاوت شکل می‌گیرد. تغییرات دولت‌ها در چارچوب قوانین معمولاً در کشورهایی صورت می‌پذیرد که دارای احزاب سیاسی گوناگون هستند و از طریق انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری و یا هردوی آنها دولت جدید را تشکیل می‌دهند.

در این جابجایی دولت و تغییر کابینه تحول اساسی و زیربنایی صورت نمی‌گیرد و تنها تغییری که ایجاد می‌شود تغییر در خط مشی سیاسی است که بر مبنای تفکر و مرام حزب سیاسی حاکم شکل می‌گیرد. در این نوع جابجایی، تغییر اساسی زمانی انجام می‌شود که ایدئولوژی، خط مشی سیاسی و مواضع اقتصادی حزب پیروز با دولت قبلی تفاوت ماهوی داشته باشد ولی با این وجود تغییرات به طور آرام انجام می‌شود و به مرور زمان افکار جدید جایگزین تفکرات حاکمیت گذشته می‌گردد. این نوع تحول سیاسی، همانگونه که اشاره گردید در کشورهای انجام می‌شود که دارای احزاب سیاسی مختلف و انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری هستند و به دلیل ساختار سیاسی این کشورها تحول از طریق دیگر

امکان‌پذیر و حتی ضروری نیز نیست.

کودتا نوع دیگری از تحول سیاسی است. در این نوع تغییر که معمولاً از طریق نظامی و با قدرت اسلحه انجام می‌شود گروهی از نظامیان به همراهی نیروهای مسلح، دولت قانونی یا غیرقانونی را کنار می‌گذارند و قدرت را در دست می‌گیرند. کودتا ممکن است همراه با خشونت و آدمکشی باشد و یا بدون اقدامات خشن و به دلیل تسلیم حکومت و عدم مقاومت مردمی بدون هیچ‌گونه خونریزی انجام گیرد.

کودتا ممکن است وابسته به خارج باشد و یا اینکه جنبه ملی داشته باشد. نمونه وابسته آن کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ در ایران و کودتای پینوشه در شیلی بود که هر دو آنها توسط عوامل خارجی و سازمان جاسوسی آمریکا هدایت می‌شد. نمونه کودتای ملی، کودتای عبدالناصر در مصر می‌باشد که بر علیه رژیم ملک فاروق صورت گرفت. نکته مهم این است که در هر دو نوع کودتا مردم نقشی ندارند و قدرت در سطح بالا جابجا می‌شود. این موضوع علت اصلی شکست کودتاها، حتی از نوع ملی آنست. سرنوشت کودتای عبدالناصر و جایگزینی او باسادات و سپس مبارک که از عوامل اصلی صلح کمپ دیوید و سازش با آمریکا و اسرائیل هستند نمونه آن است.

گورباچف دبیرکل حزب کمونیست شوروی سابق خود را مبتکر یک نوع جدید از تحول می‌داند

که آن را انقلاب از بالا می‌نامد. او معتقد است که مسئولین یک کشور و بخصوص مسئولین رده اول این توان را دارند که تحولی اساسی در تمام ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور بوجود آورند. گورباچف شرط ایجاد این نوع از انقلاب را درک صحیح و دقیق مسئولین از شرایط وخیم و اسفبار کشور می‌داند. گورباچف بر مبنای نظریه تفکر نوین سیاسی و با شناخت دقیق از اوضاع اسفبار اقتصادی و سیاسی شوروی که فقر و دیکتاتوری در آن بیداد می‌کرد تز انقلابی خود را تحت عنوان «پروسترویکا» و «گلاس‌نوست» ارائه نمود.

پروسترویکا که به زبان روسی به معنی بازسازی اقتصادی است جهت حل مشکلات اقتصادی و گلاس‌نوست که به معنی شفافیت و روشن بودن و فضای باز سیاسی است برای حل معضلات سیاسی ارائه گردید. این برنامه‌ها گرچه برنامه‌های مثبت و اصلاح‌طلبانه‌ای بود ولی از آنجا که پایگاه مردمی نداشت و مردم در شکل‌گیری آنها نقشی نداشتند و به قول خود گورباچف انقلاب از بالا بود، به نتیجه نرسید و حتی کشور اتحاد جماهیر شوروی را به پاتزده جمهوری تقسیم کرد.

انقلاب اسلامی ایران یک تحول سیاسی و اجتماعی است که با تمام تحوهای مذکور متفاوت است. این انقلاب یک جابجایی احزاب سیاسی نیست زیرا در رژیم شاه امکان فعالیت سیاسی برای احزاب وجود نداشت و انتخابات مردمی و آزاد بی‌مفهوم بود.

انقلاب اسلامی ایران یک کودتا نبود زیرا سران نظام شاهنشاهی نه تنها در آن شرکت نداشتند بلکه با تمام توان با آن به مقابله

پرداختند. از این گذشته مردم پایگاه اصلی آن بودند که در کودتا چنین مطلبی وجود ندارد.

انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب از بالا هم نبود زیرا مسئولین نظام شاهنشاهی کم‌صلاحیت‌تر از آن بودند که مشکلات کشور را درک و جهت حل این مشکلات تزی ارائه بدهند. از این گذشته این مسئولین به دلیل وابستگی اصولاً توان ارائه راه حل برای معضلات کشور را نداشتند.

واقعیت این است که انقلاب اسلامی ایران یک تحول سیاسی اساسی بود که باید نام آن را انقلاب واقعی و کامل نامید. در فرهنگ سیاسی، انقلابی کامل و واقعی است که دارای سه عنصر ایدئولوژی، رهبری و پایگاه مردمی باشد. این عناصر در یک انقلاب هرچه پررنگ‌تر و موثرتر باشند انقلاب کاملتر و واقعی‌تر است. در انقلاب اسلامی ایران اسلام به عنوان ایدئولوژی و حضرت امام خمینی به عنوان رهبر و مردم مسلمان ایران به عنوان پایگاه اصلی انقلاب حضور داشتند. این پایگاه مردمی وسیع و فراگیر فقط و فقط مربوط به انقلاب اسلامی ایران است.

در انقلاب‌های بزرگ دیگر مانند انقلاب چین، روسیه، کوبا، نیکاراگوا و الجزایر ایدئولوژی و رهبری تا حد زیادی نقش داشتند ولی شرکت پیوستن مردم مانند انقلاب اسلامی ایران کامل نبوده است. در تمام این انقلابها بخشی از مردم به صورت مخالف و یا بی‌تفاوت در کنار بودند و به صورت ناظر، جریان انقلاب را دنبال می‌کردند. اما در انقلاب اسلامی ایران به دلیل مسلمان بودن مردم و هنر رهبری در جذب آنان اکثریت قریب به اتفاق مردم به انقلاب پیوستند و در بسیاری از مراحل رهبری را نیز بر عهده گرفتند.

به عنوان مثال شعار «نه شرقی نه غربی، حکومت اسلامی» و سپس «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» که از شعارهای اساسی انقلاب بود و سلطه خارجی را نفی می‌کرد و هم چنین شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که مشخص کننده محتوی جمهوری اسلامی بود از متن جامعه برخاست و شعار اصلی انقلاب گردید. شهید بزرگوار و مظلوم انقلاب اسلامی آیت الله دکتر بهشتی در یک سخنرانی در تاریخ ۵۸/۵/۱۳ در مسجد مهدیه تهران در مورد نقش مردم در انقلاب اسلامی چنین می‌گوید:

«خلق مسلمان آگاه در این دو سال حتی در انتخاب شعارها و عبارتهای فشرده و کوتاهی که با آن می‌خواست آرمان خودش را بیان کند خودش اقدام کرده است. در بسیاری از موارد زودتر از آن که زیدگان و خیرگان و آگاهتران، موفق بشوند این عبارتها را انتخاب کنند، این عبارتها از متن مردم می‌جوشید. در اثنای راهپیمایی سال گذشته ستاد برگزارکننده راهپیمایی - که باز آن ستاد هم البته از میان مردم انتخاب شده بود، منتهی افراد شناخته شده‌تر و با سابقه‌تر در امر مبارزه بودند - یکی دو هفته قبل شاخه‌ای و گروهی را معین می‌کردند که برای راهپیمایی شعار انتخاب کنند. این گروه شعارها را انتخاب می‌کردند، می‌نوشتند، پلی‌کپی و تکثیر می‌کردند و برای گروهها فرستاده می‌شد. ولی در اثنای راهپیمایی شعارهای زنده‌تر، جالبتر، حساس‌تر و سازنده‌تر از میان خود مردم می‌جوشید. بعدها دیدیم از همین گروه جلوی راهپیمایان یک شعار زیبای رسای فشرده پرتنین برمی‌خاست. این شعار دهان به دهان، بلندگو به بلندگو می‌گشت و تا دو سه کیلومتر

همه جا را پر می‌کرد. یعنی ملت نه تنها آرمانش را پیدا کرده بود، بلکه شعاری را که باید با آن شعار این آرمان را بیان کند نیز خودش پیدا کرده بود. زیرا همه چیز از دل و جان و شعور خود ملت برمی‌خاست.»

در مورد نقش مردم در انقلاب اسلامی ذکر خاطره‌ای از حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی ریاست جمهور بی‌مناسبت نیست. ایشان برای یکی از دوستان نقل کرده بود که در زمان نخست‌وزیر شدن بختیار، برای تعیین چگونگی برخورد با دولت جدید، جلسه‌ای در منزل شهید بهشتی داشتیم و مسئله را از جوانب مختلف بررسی می‌کردیم. هنوز بحثهای ما در این مورد به اتمام نرسیده بود که صدای شعار مردم به گوشمان رسید. آنها می‌گفتند «مرگ بر بختیار، نوکر بی‌اختیار» و در شعاری دیگر «ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم نخست‌وزیر عوض می‌شه». با توجه به این شعار مردم و با توجه به موضعگیری حضرت امام که «بختیار غیرقانونی است و باید استعفا بدهد» مسیر آینده انقلاب نیز تعیین گردید.

واقعیت این است که مردم مسلمان ایران در کمیت و کیفیت انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشته و با شناخت دقیق از رهبر خود با تمام وجود و به صورت کامل او را پیروی کردند تا بزرگترین انقلاب جهان را که انقلابی کامل و واقعی بود به ثمر برسانند.

نشریه دارویی رازی هیجدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را خدمت تمامی همکاران تبریک عرض نموده و آرزوی پی‌گیری اهداف مقدس این انقلاب را از جانب همه عزیزان دارد.
دکتر سیدمحمد صدر